

ماهنامه فرهنگی دانشجویی  
سال دهم، شماره ۱۵۲، شهریور ماه ۱۴۰۱  
صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز



# ماه کربلا

در این شماره می‌خوانیم:

پهلوی شکسته

این عمار؟

مجمع جهانی اهل بیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ماهنامه فرهنگی دانشجویی

سال دهم، شماره ۱۵۲، شهریور ماه ۱۴۰۱  
صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز  
شماره مجوز: ۲۵۹/کن ش



مدیر مسئول ..... فاطمه کریمی

سردبیر ..... زهرا خدامرادی

اعضای هیئت تحریریه ..... مریم اقتداری

، مریم رحمانیان، سمیه فاتحی، زهره کرمی، فاطمه مددی، فاطمه مصلی نژاد.

ویراستار ..... فاطمه امیری

صفحه آرایی ..... زهرا خدامرادی

♦.....♦

جای قلم‌های شما در دیدار خالی ست، پذیرای آثار و دست‌نوشته‌های گرانقدرتان هستیم. همچنین نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما مایه‌ی مسرت ما و ارتقاء نشریه خواهد بود. برای ارتباط با ما کافی ست یکی از راه‌های ارتباطی زیر را انتخاب نمایید:

 [eitaa.com/myshohada](http://eitaa.com/myshohada)

 [instagram.com/myshohada](https://www.instagram.com/myshohada)

 ۰۹۱۷۷۸۷۳۹۹۸





## فهرست مطالب

- ۵ ..... سخن سردبیر
- ۶ ..... گزارش تصویری محرم ۱۴۴۴
- ۸ ..... ماه کربلا
- ۱۰ ..... مجمع جهانی اهل بیت
- ۱۲ ..... معرفی کتاب دو امام مجاهد
- ۱۳ ..... این عمار؟
- ۱۴ ..... پهلوی شکسته
- ۱۵ ..... دیدار نگار

تقدیم به شهدای گمنام

# سخن سردبیر

رسم دیدار با خانواده شهدا مراسمی ست که از سال ۱۳۷۹ توسط ۵-۶ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز کلید خورد و به برکت خون شهدا تا به امروز ادامه داشته و دانشجویان زیادی مشتاقانه از این مراسم باصفا و سرشار از صمیمیت و برکت، استقبال می کنند.

دیدار تبدیل شد به فرهنگی که یاد و خاطره شهدا، ایثار و از خودگذشتگی، خدمت به جامعه و قدردانی را در نسل دانشجویان دانشگاه شیراز زنده نگاه داشته است. در همین راستا فضایی دانشجویی ایجاد شد برای تفکر و اندیشه، جریان یافتن دغدغه فرهنگی در افکار و فرصتی برای دست به قلم شدن و مکتوب کردن.

انسان آمیزه‌ای از عقل و احساس است. با ابزار تفکر پیش می‌رود و به کمال عقلانی می‌رسد. تفکر، زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی می‌شود. خداوند به ارزش قلم و رسالت والای آن در قرآن کریم قسم یاد کرده و ارزش قلم نه تنها در این است که اظهار قلبی و آگاهی فردی را ماندگارتر می‌کند بلکه دست بردن به قلم خود به تنهایی انسان را وادار به کسب آگاهی می‌کند و از پرتگاه بی تفاوتی نجات می‌دهد و حیطةی اثر تفکر و اندیشه را چنان گسترده می‌کند که گاه توانسته ملتی را نجات دهد و جامعه‌ای را زنده کند. تلاش مادر «دیدار» بر این است که دانشجو قلم تفکر و دغدغه‌ی خود را به تحریر درآورد. همچنین در هر شماره تلاش می‌شود گوشه‌ای از رشادت‌ها، خصوصیات، مرام، رفتار و سیره‌ای از زندگی شهدا مکتوب گردد.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۖ وَحَسُنَ أُولَئِكَ مَرْفِيقًا

# ماه کربلا

♦ مریم اقتداری  
کارشناسی ادبیات

ابر با گریه‌هایش، خورشید با صورت تب کرده‌اش، ماه با رنگ پریده‌اش، ستاره‌ها با اشک چشمان‌شان، همیشه برای من بهت‌انگیز بوده‌اند.

آسمان را مچاله کن! این کفن آن قدر بزرگ نیست که ماهت را بپوشاند.

چه گونه می‌شود؟ چه گونه می‌توان در این خاک تشنه، تشنه‌ای را خاک کرد؟

قمر بنی‌هاشم باید در آسمان‌ها بتابد نه افتاده در صحرای خون‌آلود کربلا.

ای عباس ای قمر بنی‌هاشم دست‌هایت کو؟ من همیشه دست‌هایت را برای خود خواستم، تا بتوانم چیزهای بیشتری از خدا بخواهم، سعی کرده‌ام انگشتانم را از رگ‌های پاره‌ی دست‌هایت سیراب کنم، تا توانی برای نوشتن بیایند.

اشک‌هایم ناخودآگاه می‌ریزند و مرا بازوان خیس این کلمات یاری می‌کنند.

این سؤال مدام در ذهن من تکرار می‌شود:

تو که دانی بود معشوق مهرش برتر از عقبی

چرا تنهارها کردید پس فرزند زهرا را؟

من غمی‌گنم، نه برای قلب ترک خورده‌ام، برای مردی که علمدار بود و سایه‌سار اهل بیت حسین (ع)

او که تصویر در چشمانش تنها فرزندان حسین (ع) بود و تنها فرزندان حسین (ع)

لب خشکیده‌اش خلاصه‌ی تمام مردانگی‌ها است.

او ماه بود و اکنون حال ماهی درون حوض را درک می‌کنم که چه گونه بی‌قرار ماه می‌شود برای اندکی هم‌نشینی با او.

آسمان شرم نگاهش را پناهی جز ابر نیست. آن قدر ابر می‌بوسد روی زمین را با قطره‌های جان‌آفرینش تا زمین کربلا به خود بیاید که قتلگاه نوه‌ی پیامبر (ص) شده‌است.

ای قمر بنی‌هاشم خواستند نور تو را خاموش کنند اما ندانستند که تو بیشتر از هر زمان دیگری در آسمان کشور ما می‌تابی.

عاشقان تو تشنه‌ی زیارت هستند؛ سیراب کن این عاشقان را، ای شهید تشنه‌ی صحرای نینوا.

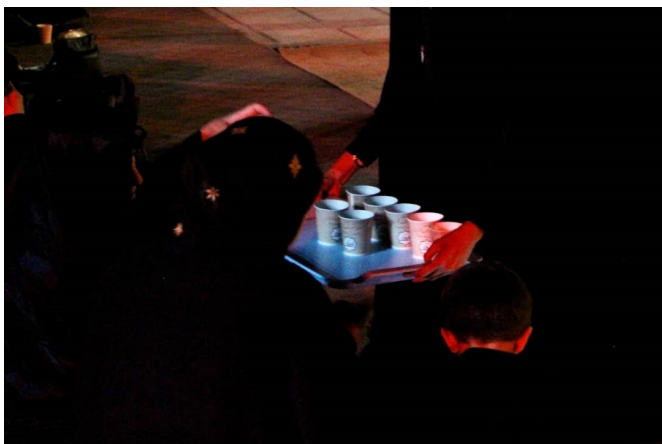
گزارش تصویری

# محرم ۱۴۴۴ در حرم شهدا

◆ عکاس: زهراسادات واعظ پور



مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز به رسم هر ساله، دهه دوم محرم الحرام، زیر سایه ۵ شهید گمنام واقع در دانشگاه اقدام به عزاداری تحت عنوان "سوگواره سرهای به نیزه" همراه با بزرگداشت سردار شهید حاج عبدالله اسکندری نمود؛ این برنامه با حضور دانشجویان و ارادتمندان به حضرت سیدالشهدا (ع) از ۲۱ مرداد ماه به مدت هشت شب با روایتگری کربلایی داوود دهقان، مداحی ذاکرین اهل بیت و فرزند محترم شهید اسکندری، در کنار قبور مطهر شهدا، فضایی که بی شک بدرقه راه عزاداران سیدالشهداست، برگزار گردید.







# مجمع جهانی اهل بیت

♦ سمیه فاتحی  
کارشناسی علوم تربیتی

زینا» در مورد  
این مجمع و  
مجموعه‌ی این افراد  
و اشخاص و افراد خود  
این مجمع بیشتر مورد  
ملاحظه قرار بگیرد. خب  
اگر بخواهیم این تحقق پیدا کند،

بایستی این مجمع را یک پایگاهی قرار بدهیم برای  
نشر معارف اهل بیت. معارف اهل بیت مهم این نکته

است - مخصوص به یک بخشی از مسائل زندگی نیست؛

هر کسی مراجعه کند به کلمات اهل بیت، این را تصدیق می‌کند  
که معارف اهل بیت یک مجموعه‌ی عظیمی است از مسائل کلی،  
معارف الهی، توحید، عرفان، معنویت، اخلاق، وظایف شخصی و  
فردی، وظایف خانوادگی، وظایف اجتماعی تا وظایف اداره‌ی کشور  
و تمدن‌سازی؛ یعنی مجموعه‌ی معارف اهل بیت شامل همه‌ی این‌ها  
است.

نکته‌ی بعدی این است که پیروان اهل بیت مفتخرند که مهم‌ترین  
حرکت در مقابله‌ی با نظام استکباری، با نظام سلطه، از سوی این‌ها  
انجام گرفته. خیلی شعار داده میشود، اما آن چه در عمل روی زمین  
اتفاق افتاده یک چیز واضح و مشخصی است و آن پرچم جمهوری

مجمع جهانی اهل بیت مرکز مهمی است، مرکز باعظمتی است. این  
مرکز وابسته به اهل بیت (علیهم السلام) است و اهل بیت در دنیای  
اسلام از یک عظمت و محبوبیت بی نظیری برخوردارند؛ یعنی  
هیچ کس از شخصیت‌های دنیای اسلام را نمی‌توان پیدا کرد که مثل  
اهل بیت پیغمبر (علیهم الصّلاة و السلام) در مجموعه‌ی دنیای اسلام  
به طور مشترک این همه محبوبیت داشته باشند. این محبوبیت،  
این عظمت، این جلال و شکوه معنوی، طبعاً منتقل می‌شود به این  
مجموعه‌ی شما که به نام اهل بیت بزرگوار تشکیل شده. پس اینجا  
اهمیت پیدا می‌کند، عظمت پیدا می‌کند؛ از این عظمت باید استفاده  
کرد. عناوین و نام‌ها وسیله هستند، سبب هستند، باید به نتیجه  
رسید؛ نتیجه چیست؟ نتیجه این است که این مرکز باید محل توجه  
و الهام‌گیری از سوی همه‌ی مسلمین باشد. هنر شما این است که  
بتوانید این مرکز مهم را، یعنی مجمع جهانی اهل بیت را مرکزی قرار  
بدهید برای الهام‌بخشی به دنیای اسلام و به دل‌ها و جان‌ها و روح‌های  
افراد طالب و مشتاق در سراسر دنیای اسلام.

چند نکته را در همین مسیر من عرض بکنم. اولین نکته این است  
که، اعضای این مجمع بار سنگینی بر دوش دارند. این جمله‌ی  
معروف از ائمه (علیهم السلام) که فرمودند «کونوا لنا زینا» که خطاب  
به همه‌ی ماها است، همه بایستی مراقب باشیم، این نسبت به شما  
او کد است؛ اهمیت کار شما ایجاب می‌کند که این جمله‌ی «کونوا لنا



که خطوط فاصل موجود میان اتحاد جوامع اسلامی را کنار بگذارند؛ فقط یک خط فاصل وجود دارد و آن خط فاصل میان ایمان و اسلام از یک طرف و کفر و استکبار از طرف دیگر است؛ این را امام به همه یاد دادند.

سیاست ما ایستادگی در مقابل جنایت‌های نظام سلطه است، این این‌ها را عصبانی می‌کند، لذا متهم می‌کنند جمهوری اسلامی را. همه باید حواسشان باشد با این سیاست استکباری آمریکا همراهی نکنند. هر کاری هم که می‌کنند، به نظر ما — یعنی با تحلیلی که بنده دارم — از سر ناتوانی و عجز است.

نظام جمهوری اسلامی یک واقعیتی است که وجود دارد روی زمین؛ وعده نیست که «حالا خواهیم کرد»؛ نه، این نظامی است که به وجود آمده و به نظر من مهم‌تر از پدید آمدن نظام اسلامی تاب‌آوری نظام اسلامی است.

به هر حال، آینده ان‌شاءالله آینده‌ی روشنی است؛ ما آینده‌ی دنیای اسلام را آینده‌ی خوبی می‌دانیم و مجموعه‌ی شیعه‌ی دنیا می‌توانند نقش‌آفرینی بزرگی بکنند و شما به عنوان مجمع جهانی تشیع می‌توانید نقش‌آفرینی زیادی بکنید. از خداوند متعال توفیقات شما را مسئلت می‌کنیم.

اسلامی است.

خب این پرچم جمهوری اسلامی پرچم عدالت و معنویت است؛ یعنی چیز مبهمی اینجا وجود ندارد. پرچم جمهوری اسلامی همان پرچمی است که انبیا برداشتند، ائمه برداشتند.

توجه بکنید که وقتی شما پرچم عدالت و معنویت را بلند می‌کنید، طبیعی است در دنیایی که رفتارش مبتنی بر زور است و فکرش مبتنی بر مادیت است — یعنی درست نقطه‌ی مقابل عدالت و نقطه‌ی مقابل معنویت — عکس‌العمل ایجاد می‌کند. بعضی‌ها به ما می‌گویند «شما با فلان حرف، فلان حرکت، فلان تصمیم، دشمن‌تراشی کردید»؛ نه، ما با برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی دشمن‌تراشی کردیم، ما با مطرح کردن احکام الهی دشمن‌تراشی کردیم.

یک نکته‌ی مکملی وجود دارد دنبال این نکته‌ی دوم که عرض کردیم، و آن، این است که امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) به همه یاد داد

## دو امام مجاهد

♦ مریم رحمانیان  
کارشناسی فلسفه و کلام اسلامی



لغافه مخاطب را دعوت به الگو برداری از راه امام حسین (ع) و مبارزه با طاغوت زمان میکند. این سخنرانی در محرم سال ۱۳۹۳ هـ.ق (یعنی بهمن ماه سال ۵۲) اذعان داشته شده است. نکته‌ی جالب این است، که با وجود اینکه معظم له در آن زمان در سن ۳۲ و ۳۳ سالگی بودند و حتی منسب خاصی نداشتند به فکر روشن‌سازی مردم و اهداف والا بودند و آن چنان محکم و مستند سخن می‌گفتند که سخنرانی‌های ایشان بیشتر به جلسات علمی شبیه شده است و با سخنرانی‌های معمول آن زمان و حتی حال حاضر متفاوت بوده و یک سر و گردن فاصله دارد. با خواندن این کتاب، متوجه دغدغه‌های سیاسی و مذهبی ایشان و دغدغه‌های فکری‌شان در زمان قبل از انقلاب می‌شویم.

برشی از کتاب: صحنه‌ی عاشورا، صبح تا عصر، از نامردی‌ها پر است، از فجایع سرشار و لبریز است، ددمنشی و گرگ صفتی از آن گروه نامردمی که اسلام و قرآن را کنار گذاشتند، آن قدر ظاهر شده که روز افتخار اسلام درآورده و واقعا روز عاشورا، روز غم اسلام است.

اگرچه از طرفی روز افتخار اسلام، و روز اعتزاز اسلام هم هست. چه اعتزازی بالاتر از اینکه انسان، یک خاندان راه، وابسته‌گان به یک جبهه ببیند که از بزرگ‌شان، کوچک‌شان، برده‌شان، آزادشان، زن‌شان، مردشان، از همه چیزشان در راه خدا می‌گذرند و مرگ را با آغوش باز استقبال می‌کنند، برای چه؟ برای خاطر خدا، می‌خواهند الگو بدهند به مردم، می‌خواهند نمونه بدهند به مردم.

این کتاب شامل ۶ گفتار از آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ می‌باشد. با خواندن این اثر پی به اهداف اصلی قیام امام حسین (ع) و حرکات سیاسی امام حسن (ع) خواهیم برد که از نظر محتوا و متن به کتاب هم‌زمان حسین نزدیک است. اگر بخواهیم ۶ گفتار این کتاب را از نظر موضوعی بررسی کنیم باید گفت دو گفتار اول، مشتمل از دو سخنرانی آقا درباره‌ی جایگاه والا و مهم امام حسن (ع) و چرایی پذیرش آتش بس از سمت ایشان و تفاوت شرایط زمان‌شان با امام حسین (ع) و علاوه بر این‌ها، شرح نظریه‌ی «انسان ۲۵۰ ساله» است که در فروردین ماه سال ۵۱ و به مناسبت ایام شهادت امام حسین برگزار شده است.

موضوع گفتار سوم تا پنجم، به سه سخنرانی ایشان، در شب‌های تاسوعا، عاشورا و شام غریبان سال ۱۵۲ اختصاص داده شده که محور اصلی آن تحلیل قیام حسینی است. در گفتار چهارم، علاوه بر تحلیل ریشه‌های قیام امام حسین (ع)، اهداف پیامبر اکرم که شامل گستراندن تفکر توحیدی، نفی عبودیت طواغیت، از بین بردن اختلاف طبقاتی و غیره بود، هم دیده میشود. همچنین، شرایط دوران خلفای سه‌گانه به ویژه خلیفه‌ی سوم نیز تشریح میشود.

نکته‌ی جالب اهمیت گفتار پنجم، قسمت پایانی آن است، که مخاطب دعوت به تفکر در اهداف قیام شده و با نقل داستان «طوطی و بازرگان» به پایان می‌رسد.

در گفتار آخر، شاهد نقد سه نظریه راجب قیام حسینی و آوردن صحیح آن در نظریه‌ی چهارم می‌باشیم و هدف از قیام حسینی، تجدید حیات انقلاب پیامبر اعظم (ص)، آورده می‌شود و در

# این عمار؟

♦ فاطمه مصلی نژاد  
کارشناسی علوم سیاسی



دوستی صادق و وفادار، قهرمانی بی ادعا، آری این‌ها همه حکایت از تو می‌کنند مرد خدا. تویی که امام زمانت را در طوفان جنگ تنها نگذاشتی و عاشقانه راه پدر و مادر شهیدت را ادامه دادی، یادمان بده که به خودمان بیاییم، شاید کمی مثل تو شویم.

امام ما تنهاست و جانشین بر حقش سخت غریب است و از چشم‌هایش می‌شود فریاد این عمار را خواند. آری چه قدر جای تو خالیست عمار یاسر. اگر تو بودی کسی بغض‌های حاکی از قلب شکسته‌ی رهبرمان را نمی‌دید چون تو بودی که فریاد این عمارش را لبیک بگویی، و صد حیف که ما حتی قطره‌ای از دریای شهامت بی‌مثال تو در راه امامت را نداریم.

گرچه الان جنگ صفین، بدر و احد نیست اما جنگ حق علیه باطل، به نوع دیگر، هم‌چنان پا برجاست.

می‌خواهیم بگوییم ای علی زمانه‌ی ما فرصتی ده تا چون عمار در رکابت باشیم و دل بریده از جان فدایی راه تو باشیم. تا چون مولایمان که عمار را عاشقانه در آغوش کشید در لحظه‌های آخر سر بر دامان تو جان دهیم و دین عاشقی را در حق تو ادا کنیم.

"هر کجا در جبهه‌ی علی علیه‌سلام تزلزل به وجود می‌آمد، عمار به نزد مردم می‌رفت و آنان را توجیه می‌نمود."



# دیدار نگار

## دیدار با خانواده معظم شهید مجتبی کرمی

♦ فاطمه مددی  
کارشناسی حقوق

### زندگی و سرگذشت شهید مجتبی کرمی از زبان مادر و برادرشان:

شهید بزرگوار در سال ۱۳۶۵، در روستای کوهنوش، از توابع شهرستان تویسرکان استان همدان، در یک خانواده مذهبی متولد شدند.

برادر شهید کرمی درباره اینکه آیا هدف و نیت خاصی

وجود داشته که نام مجتبی را برای برادرشان انتخاب کردند بیان داشتند که: به خاطر ارادت خاصی که پدرم به اهل بیت علیهم السلام داشت و مسجدی که کنار خانمان بود و نامش مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام بود، پدر بزرگوارم آخرین فرزندش را مجتبی نام نهاد. علت دیگری هم که پدرم نام مجتبی را برای برادرم انتخاب کرد این بود که در روستای ما شهیدی بود به نام مجتبی اسدی که پدرم دوست داشت اسم او را بر روی برادرمان بگذارد.

در سال ۱۳۸۳، مجتبی بر اساس علاقه‌ای که به سپاه داشت، به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و از همان ابتدا، به سرگروهی گردان تک‌آوری مشغول شد و آموزش‌های سخت تک‌آوری را گذراند و حدود ۱۰ سال که از خدمتش می‌گذشت، اکثر عملیات‌هایش را در مناطق غرب کشور، در دفاع از مرزها گذراند؛ تا اینکه بحث سوریه پیش آمد. مجتبی هم مثل بقیه مدافعین حرم، به منظور دفاع از حرم حضرت زینب(س) و نیز مسلمانان دربند و محاصره آن‌جا، و لیبیک‌گویی به رهبر معظم انقلاب، عازم سوریه شد و حدود ۱۴ روز آنجا بود، که پس از عملیاتی به اسم آزادسازی حلب، توانست به درجه رفیع شهادت نائل گردد.

از مادر شهید سوال شد که آیا آقا مجتبی صحبتی از کار و یا محل کار در خانه می‌کردند؟

در پاسخ گفتند که: آقا مجتبی خیلی اخلاقش خوب بود، به پدر و مادر نیکی می‌کرد، به همه اقوام سر می‌زد. خیلی خوش رفتار بود،

پیرو دین و رهبر بود. اعزام به سوریه شد و گفت می‌خواهم بروم و از حرم حضرت زینب(س) دفاع کنم. گفت تو دختر سه ساله‌ای داری، گفت اشکالی ندارد او هم مثل سه ساله

امام حسین(ع) من باید بروم. خاطراتی از زبان برادر شهید: مجتبی دوسال قبل از شهادتش در یک مانور به شدت زخمی شد به طوری که فرمانده خیال میکرد که مجتبی شهید شده؛ بعد از چند لحظه مجتبی حرف می‌زند و می‌گوید نه حالا وقتش نیست.

شبی هم که در سوریه عملیات داشتند، فرمانده تعریف می‌کرد و می‌گفت: مجتبی به من گفت که فرمانده، یادتان هست آن روز در مانور چه گفتید؟

تا آخر ایستاده

گفتم بله، مجتبی به من گفت: آن روز وقتش نبود، ولی الان وقتش است.

دوستان شهید تعریف می کردند روزی که فردایش عملیات بود، تپه ای بود که الان هم مشهور است به تپه شهید مجتبی، مجتبی رفت روی آن تپه و حدوداً یک ساعتی شد که برگشت. وقتی که برگشت حال و هوایش عوض شده بود مثل اینکه یک چیزهایی را به او نشان داده بودند، انگار فهمیده بود که قرار است شهید شود.

تاریخ شهادت ونحوه شهادت: آقامجتبی در ۲۵ مهر ماه ۱۳۹۴، در عملیات آزادسازی حلب، زمانی که می بیند دوستش شهید شده و جسدش روی خاک افتاده، با یکی از دوستانش به نام آقای سرلک به جلو می روند که جسد را برگردانند، در همین هنگام در اثر اصابت تیر شهید می شوند.

بزرگ ترین دغدغه شهید از زبان مادرشان: مادر شهید بیان داشتند که آقا مجتبی همیشه به خواهرانش و همسایه ها سفارش می کرد، که چادر بپوشند و اسلامی باشند. اخلاقش خیلی خوب بود و پیرو دین و رهبر بود.

مجتبی خیلی برای دفاع از حرم دغدغه داشت و می گفت: دوتا از شهرهای آن جا شیعه هستند و این وظیفه ماست که هم بتوانیم از حرم و هم از شیعیان و دیگر مسلمانان آن جا دفاع کنیم و خداوند هم وقتی این اخلاص را از ایشان دید، افتخار شهادت را نصیبشان کرد.

مجتبی اولین کسی بود که با وجود داشتن زن و فرزند، داوطلبانه رفت و به عنوان اولین نفر اعلام آمادگی کرد.

وصیت نامه شهید: وصیت نامه ای که مجتبی داشته است، در حد یک صفحه است که سرشار از مطالب ارزنده می باشد. شهید در وصیت نامه خود، ضمن اینکه اشاره می کند من برای دفاع از حرم به امر ولی رفته ام، خطاب به دختر سه ساله اش می گوید: ریحانه جان من تو را دوست دارم و این را بدان که دفاع از حرم ۳ ساله امام حسین (ع) و عمه اش حضرت زینب (س) برای من واجب تر بود. بعد اشاره میکند که من دوست دارم دخترم حافظ قرآن شود.

در زمینه بحث امر به معروف و نهی از منکر، یک ناوایی سر کوجه مان بود که یک جوان آن جا مشغول به کار بود، بعد از شهادت مجتبی می بینند که این پسر با وجود اینکه فامیل ما نبود خیلی گریه می کرد، علتش را که می پرسند می گوید به خاطر رفتاری که آقا مجتبی با من داشت، آن پسر می گوید که یک روز که من در ناوایی مشغول به کار بودم و شلوار تنگی پوشیده بودم، آقا مجتبی من را صدا زد و یک شلوار گشاد خریده بود و به من داد و گفت من این شلوار را برای شما خریدم که موقع کار اذیت نشوید.

آن جا بود که فهمیدم قصد ایشان این بود که به بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر کند.

مهم ترین ویژگی های شهید از زبان برادرشان: خصوصیات اخلاقی آقا مجتبی واقعا زبان زد همه بود. اولین خصوصیت اخلاقی ایشان، خوش اخلاقی و خوش برخوردی ایشان بود، در این چند سال که ما باهم بودیم، هیچ گاه بی اخلاقی از آقا مجتبی ندیدم، همیشه با لبخند و خوش برخورد بود.

در زمینه نیکی به پدر و مادر، خیلی به این موضوع اهمیت میداد. اهل بیته بود و اهل هیئات بود و ارادت خاصی به امام حسن مجتبی داشت. در ایام محرم خود را وقف امام حسین می کرد و گریه هایی می کرد که نمایانگر عشقش به امام حسین (ع) بود.

در آخر بدون تعارف ترین جمله برادر شهید را می شنویم: ایشان گفتند: بدانیم که شهدا ناظر بر اعمال ما هستند و خدا نکند، که فردای قیامت شرمنده شهدایی باشیم که از همه چیز خود گذشتند و با اخلاص جان دادند که ما بتوانیم امروز، آسایش و آرامش داشته باشیم.



شما می توانید با اسکن کردن کد زیر فایل الکترونیک  
نشریه را دریافت نمایید.



 [eitaa.com/myshohada](http://eitaa.com/myshohada)

 [instagram.com/myshohada](https://www.instagram.com/myshohada)

 ۰۹۱۷۷۸۷۳۹۹۸

ای خوش آن ها که دمی لایق دیدار شدند...